

چیستی و حجیت عقل در استنباط احکام شرعی

جعفر سبحانی؛ مجتبی جولایی فر^۲

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف تبیین چیستی عقل و نیز اثبات حجیت دلیل عقلی و قلمرو آن در اصول فقه شیعه انجام شد. **روش:** برای دستیابی به هدف پژوهش، با استفاده از روش کتابخانه‌ای، نرم‌افزارهای علمی و اسناد نوشتاری، به پردازش و تحلیل داده‌ها و گزاره‌ها با شیوه توصیفی - تحلیلی و استدلالی پرداخته شد.

یافته‌ها: این پژوهش جایگاه عقل در استخراج احکام شرعی را چونان مصباح شریعت در مقابل دو دیدگاه مفتاح و میزان دانست و حجیت عقل در این حوزه را با تکیه بر آیات قرآن و روایات میسر کرد و قلمرو حجیت عقل را در احکام عملی آشکار ساخت.

نتیجه‌گیری: عقل گوهری قدسی است که خداوند نزد انسان به ودیعه نهاد و منبعی مستقل و مصباح و کاشف شریعت و در عرض کتاب و سنت در استنباط احکام شرعی است و حجیت عقل تکیه بر آیات و روایات متضافر دارد و قلمرو حجیت حکم عقل در استنباط احکام شرعی، حسن و قبح عقلی در احکام مستقله و غیر مستقله است و نیز ملازمات و تنقیح مناط یا الغاء خصوصیت و ادراک برخی مصالح و مفاسد در قلمرو حجیت احکام عقل گنجانده شد.

کلید واژه: عقل، حجیت، دلیل عقل، کشفیت، استنباط.

^۱ نویسنده مسئول: استاد درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم.

^۲ دانش آموخته ی حوزه علمیه قم، محقق و مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم. M.joulaefar@gmail.com

۱. مقدمه

عقل، محبوب ترین مخلوق (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۰)^۱ و بهترین نعمت تقسیم شده در میان بندگان است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۹۷)^۲ که مشهور فقهای شیعه، آن را یکی از حجج و ادله‌ی چهارگانه استنباط احکام در کنار کتاب، سنت و اجماع به درستی و شایستگی برشمرده‌اند (سبحانی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۳ و ۱۶۸/همو، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ص ۸۶). احکام عقل به معنای ادراکات عقل با انشعاب به احکام مستقله و احکام غیر مستقله مورد توجه اصولیان شیعه قرار گرفته است؛ اما اخباریان شیعه (همو، ۱۳۸۵ق، ص ۱۶۸) و در اهل سنت، اشاعره به نقد و نظر در حجیت احکام استقلالی و غیراستقلالی عقل روی آورده‌اند (همو، ۱۳۴۲ق، ج ۳، ص ۸۷-۸۸/ اشعری، بی تا، ص ۱۱۶-۱۱۷). شاید همین اختلاف دیدگاهها سبب شده که جایگاه دلیل عقل در استنباط احکام شرعی از مسائل مهم اصولی محسوب شود.

اگرچه اساس استفاده از عقل در استنباط احکام شریعت امری واضح است و نقش عقل در تفسیر و استنتاج منطقی از منابع فقه و سنجش رابطه منابع با یکدیگر تا بدان درجه از اهمیت نائل می آید که می‌توان کاربرد عقل را از آغاز تا انجام فقه دانست (علیدوست، ۱۳۸۱ش، ص ۲۰)؛ با این وجود، پرسش اصلی در پژوهش پیش روی، چیستی و ماهیت عقل با توجه به جایگاه آن در اصول فقه و چرایی مشروعیت دلیل عقلی قطعی و نه ظنی مانند قیاس و استحسان در احکام شرعی است. باید توجه کرد که مراد از حکم عقل، حکم قوه‌ی عاقله به معنای فلسفی آن نیست؛ بلکه حکم عقلی قطعی که مستند به کتاب و سنت نیست و در عرض این دو منبع و مصباح و کاشف شریعت واقع می شود، مورد نظر اصولیان بوده و آنجا که حکم عقل از مبادی تصدیقی کتاب و سنت و یا در طول کتاب و سنت قرار می گیرد، از محل بحث خارج است.

شایسته است برای وضوح بیشتر، این مسئله را بر مدار دو پرسش به تصویر کشید:
 ۱. چیستی و اقسام دلیل عقلی کدام است؟ ۲. اثبات حجیت فقهی دلیل عقل چگونه است؟
 نوآوری این پژوهش را می‌توان در تبیین صحیح ماهیت عقل در استنباط احکام شرعی و نیز استدلال به حجیت دلیل عقلی با تکیه بر آیات و روایات دانست.

۱. «نُمَّ قَالَ وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ».
 ۲. «يَا هِشَامُ مَا قَسَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ أَفْضَلُ مِنَ الْعَقْلِ».

روش پژوهش در انتاج این مسئله، توصیفی - تحلیلی و استدلالی و با تکیه بر آثار مکتوب اصولیان شیعه به سامان رسیده است.

۱.۱. مفاهیم

۱.۱.۱. حجیت

حجیت مصدر جعلی و یا اسم مصدر از «حجت بودن» است و حجت از ریشه حجّ به معنای قصد آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۹). حجت در لغت و در برخی آیات قرآن به معنای برهان و دلیل روشنی است که برای اثبات صحت ادعا کاربرد دارد (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۹) نظیر آیه «لَنَلَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» (نساء: ۱۶۵) و به وسیله آن حق مطلوب، قصد می شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۰) و همچنین به کمک آن پیروزی بر خصم محقق می گردد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۰) که نمونه این معنا نیز در قرآن استعمال شده است، آنجا که می فرماید: «وَ تَلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ» (انعام: ۸۳).

اصطلاح حجیت در دانش منطق و در قیاس منطقی به حد وسط گفته شده که علت یا معلول برای ثبوت محمول برای موضوع قرار می گیرد، در حالی که حجیت در اصول فقه مقابل حجیت منطقی است و نقش علی و معلولی در ثبوت متعلق ندارد و کاشف از موضوع یا حکم، و نیازمند جعل حجیت از سوی مقام مولویت است؛ مانند قول عادل که کاشف از قول معصوم است و نه علت قول او؛ فقها نیز این معنا را برگزیده‌اند و حجیت اصولی و فقهی به همان ادله شرعی (کتاب، سنت، اجماع و عقل) اطلاق می شود (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۱/ همو؛ ۱۳۹۷ش، ج ۲، ص ۱۲-۱۴/ جعفر سبحانی، کلام اسلامی، ۱۳۹۰ش، ص ۷۹، ص ۳-۶). بنابراین هر یک از ادله شرعی معتبر از جمله عقل در قلمرو خاص آن، حجیت شرعی هستند؛ اما مراد از حجیت، صحت استناد و احتجاج به یک دلیل است (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹ش، ص ۳۹۱) و منظور از واکاوی حجیت عقل، کاوش در چگونگی صحت استناد و احتجاج به دلیل عقل معنا می شود و اثر و ثمره این حجیت، رابطه دو سویه میان شارع و مکلف است که معذرت و منجزیت نامیده می شود.

۲.۱.۱. عقل

تیین این واژه مشتمل بر چند مطلب است که عبارتند از: ۱. چیستی عقل ۲. اقسام عقل ۳. دلیل عقل ۴. اقسام دلیل عقلی.

۱.۲.۱.۱. چستی عقل

واژه عقل^۱ در لغت عرب در چند دسته معنایی یاد شده که عبارتند از: ۱. معنای حدّثی مانند حبس و حفظ (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۵۹/ صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۷۲)؛ ۲. معنای اسم ذاتی نظیر دیه (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۵، ص ۱۱۷۹/ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۷۰)؛ ۳. اسم معنایی همچون نیروی تمییز (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۵۹)؛ ۴. مصدری مانند حجر و نُهی (بر وزن هُما) به معنای بازداشتن (جوهری، همان). اما لغت پژوهان فارسی اصل عقل را مصدر به معنی بند در پا بستن دانسته اند، و از آنجا که خرد و دانش مانع رهاشدن طبیعت بسوی افعال نکوهیده می شود، خرد و دانش را عقل گویند و همچنین عقل به دریافت، تدبیر، فراست نیز معنا شده است (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷ش، واژه عقل). بنابراین از مجموع معانی بیان شده می توان به معنای منع و بازداشتن اکتفا کرد، چنان چه سایر معانی از آن قابل استخراج است.

عقل در اصطلاح متکلمان، تعاریف متعددی را تجربه کرده، نظیر سخن شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) که اینچنین نوشته است: «مجموع علوم إذا حصلت کان الإنسان کامل العقل» (محمد طوسی، ۱۳۹۴ش، ص ۲۵۵) در این تعریف، عقل به مجموعه دانش هایی توصیف شده، که حصول آنها فرد را خردمند می نماید.

وی در ادامه به وجه تسمیه عقل اشاره کرده و معتقد است به دو دلیل آن را عقل گویند: ۱. عقل از آن جهت که حسن و قبح را به انسان می شناساند و نفس را از بدی ها بازمی دارد و به سوی خوبی فرامی خواند، پس به عقل شتر تشبیه شده است ۲. چون با وجود این علوم بدیهی، دانش های استدلالی ثابت می شوند (همان، ص ۲۵۵-۲۵۶).

تنها شیخ طوسی نیست که عقل را به این معنا برگزیده؛ بلکه متکلمانی نظیر ابوالحسن اشعری (م ۳۳۰ق) از جمله پیروان این معنا بوده اند (ایچی، ۱۳۲۵ق، ج ۶، ص ۴۸). البته مراد شیخ طوسی از این علوم، معرفت های بدیهی و فطری عقل نظری و عملی است و در مقابل، اشعری و اشاعره به معرفت های بدیهی عقل نظری توسط عقل اکتفا کرده؛ زیرا حسن و قبح ذاتی افعال را نمی پذیرند (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۳۳/ قماش، ۱۳۸۶ش، ص ۳۲-۳۴). به نظر می رسد در این دیدگاه تعریف عقل ناظر به مُدرکات و کارکردهای عقل است و نه ماهیت آن؛ و حال اینکه مُعرّف به دنبال حقیقت عقل در تکاپو است.

¹ . Reason; intellect.

چیستی و حجیت عقل در استنباط احکام شرعی ♦ ۲۶۱

گروهی دیگر از متکلمان همچون علامه حلی (م ۷۲۶ق) در *نهایه المرام*، عقل را به «غریزه تلزمها العلوم الضروریة عند سلامة الآلات» (علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۲۹) و نیز تفتازانی در شرح *المقاصد* (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۳۳) پذیرفته اند و به قوه و غریزه و یا ابزار فهم بودن آن برای کسب علوم معترف هستند.

اما اخباری ها به واکاوی تعریف عقل تمایل چندانی نداشته اند و شاید تنها در *فوائد الطوسیة* بتوان از سه معنا برای عقل یاد کرد که عبارتند از: ۱. علم در برابر ظن ۲. طبیعت و فطرت انسانی که خیر و شر را تشخیص می دهد ۳. عمل به مقتضای طبیعت که ترجیح خیر بر شر است، یاد کرد (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۵۲).

تحقیق پیرامون ماهیت عقل گواه آن است که اولاً: عقل منبع مستقل معرفتی در کنار کتاب و سنت است (سبحانی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۳/ همو، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ص ۸۶) و ثانیاً: از نظر مبانی هستی شناختی، گوهری قدسی و موهبتی رحمانی است که خداوند در طبیعت انسان به ودیعه نهاده (همو، ۱۳۸۲ش، ص ۵۷) و ثالثاً: از نظر مبانی معرفت شناختی، قوه و ابزار شناخت و مُدرک معرفت دینی بوده و اموری نظیر استنتاج، ادراک کلیات، گروه بندی موجودات، تجزیه و تحلیل، ترکیب و تلفیق و ادراک مفاهیم ابداعی فراچنگ افعال عقل می آید (سبحانی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۴۹-۱۵۸/ همو، ۱۳۸۷ش، ص ۱۴۱-۱۵۳). عقلی که فقیه از آن در فرآیند استنباط یاد می کند نه عقل فلسفی، بلکه همان عقل عرفی و یا عقل صحیح فطری و یا عقل به ما هو عقل است که به ادراک بدیهیات و فطریات نائل می آید؛ با تکیه بر همین دیدگاه، چگونگی ادراک حسن و قبح عقلی و اثبات ملازمه میان حکم عقل و شرع به آسانی امکان پذیر می شود (همو، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ص ۸۹-۹۱). ماهیت عقل با این مختصات، منبع و ابزاری کارآمد است که فقیه در استنباط از آن یاری می جوید و با باور به فرمایش امیرالمومنین (علیه السلام) که: «العقل غریزة تزید بالعلم و التجارب» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۹۱) همواره می کوشد با تمرین و ممارست، تیزهوشی و مهارت اجتهادی را شکار کند و توانمندی عقل عرفی را افزایش دهد.

۲.۲.۱.۱. اقسام عقل

حکما و فلاسفه عقل را به اعتبار مُدرکاتش به عقل نظری و یا قوه عِلّامه (قوه علمی) و عقل عملی و یا قوه عمّاله (قوه عملی) منشعب کرده و برای این دو دسته ادراکات عقل، تعارفی برگزیده اند (محقق سبزواری، ۱۳۷۹ش، ج ۵، ص ۱۶۵-۱۶۷). با پشتوانه‌ی سخن پیشینیان و به بیانی ساده تر، ماهیت عقل نظری را می توان به «ادراک ما ینبغی أن یعلم» مانند ادراک کل

اعظم از جزء است و یا ادراک وجود خداوند و صفات و افعال الهی و نیز حقیقت عقل عملی را به «ادراک ما ینبغی عن یعمل» نظیر حُسن عدل و قبح ظلم و وجوب ردّ ودیعه و ترک خیانت در امانت تعریف نمود (سبحانی، ۱۳۸۶ش، ج ۳، ص ۷۹/ همو، ۱۳۸۵ش، ص ۱۶۹) فیلسوف و متکلم با پشتوانه‌ی عقل نظری به مباحث الهیات و خداشناسی ورود می‌کند و اندیشمندان فقه و اخلاق نیز نیازمند مدرکات عقل عملی هستند (همو، ۱۳۸۳ش، ص ۱۸).

۳.۲.۱.۱. دلیل عقلی

اصولیان شیعه به تعریف دلیل عقلی توجه چندانی نداشته‌اند و شاید نخستین بار، میرزای قمی (م ۱۲۳۱ق) بود که در تعریف آن این گونه نگاشت: «هو حکم عقلی یتوصل به الی الحکم الشرعی، و یتقل من العلم بالحکم العقلی الی العلم بالحکم الشرعی» (میرزای قمی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۷). از دیدگاه وی، دلیل عقلی، حکمی است که اگر در آن دقت شود، به حکم شرعی منتهی می‌شود.

شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ق) در *مطرح الانظار* بر این تعریف اشکال گرفته و معتقد است تعریف دلیل عقلی به «ما یمکن التوصل بصحیح النظر فیه الی مطلوب خیری (أی حکم شرعی)» (انصاری دزفولی، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۳۱۹) دقیق تر است؛ زیرا هر دلیل عقلی به حکم شرعی منتهی نمی‌شود، بلکه این دلیل ممکن است به حکم شرعی ختم گردد. به نظر می‌رسد هر دو تعریف پیش گفته مورد پذیرش باشد و سخن میرزای قمی این گونه قابل دفاع است که اندیشمندان اصولی هدفشان از دلیل عقلی روشن است و هر دلیل عقلی را مورد کنکاش قرار نمی‌دهند، بلکه آنجا که به کمک آن به حکم شرعی دست می‌یازند، مورد نظرشان است (سبحانی، ۱۴۱۵ق، ص ۵/ همو، ۱۳۸۵ش، ص ۱۷۰-۱۷۱).

۴.۲.۱.۱. اقسام دلیل عقلی

دلیل عقلی که در اصول به حکم عقلی نیز مشهور است، نزد اصولیان به دو قسم مستقله و غیر مستقله تقسیم می‌شود. احکام عقلی مستقله، احکامی را گویند که عقل برای رسیدن به نتیجه، به حکم شرعی تمسک نکرده و در ادراک صغری و کبری قیاس، مستقل عمل می‌کند و تنها با ادراک عقل به دنبال نتیجه می‌رود؛ مانند حکم عقل به حرمت خیانت در امانت به این بیان که خیانت ظلم است و هر ظلمی قبیح است، پس خیانت در امانت قبیح است. اما مراد از احکام غیر مستقل عقلی، احکامی است که در آن عقل برای وصول به نتیجه از حکم و خطاب شرعی استمداد می‌جوید؛ باب ملازمات و مسائل آن، نمونه بارز این نوع احکام است. مانند حکم به وجوب وضو در استدلال به اینکه، وضو برای نماز مقدمه است و هر مقدمه

چیستی و حجیت عقل در استنباط احکام شرعی ♦ ۲۶۳

برای وصول به ذی المقدمه عقلا واجب است، پس وضو گرفتن واجب است. در این استدلال صغری امر شرعی و کبری مقدمه‌ای عقلی است (همو، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ص ۸۷/ همو، ۱۴۱۵ق، ص ۶).

احکام عقل را با توجه به ارزش معرفت شناختی آن می توان به احکام قطعی و یا ظنی نیز تقسیم نمود. مشهور فقهای امامیه با تکیه بر احکام قطعی عقل از دلیل عقل سخن می رانند و در مقابل علمای اهل سنت، چندان به احکام قطعی عقل توجه ندارند و به دلیل ظنی عقل نظیر قیاس، استحسان، مصالح مرسله و سد ذرایع و... اهمیت بیشتری می دهند (همو، ۱۳۸۵ش، ص ۱۴) مباحث پیش رو بر مدار احکام قطعی عقل و نه ظنی آن استوار است.

۲.۱. پیشینه بحث از عقل در استنباط احکام

گزارشی از تاریخ تطور جایگاه عقل در استنباط احکام از دوره های مختلف فقهی تا زمان معاصر زمینه آشنایی با نوآوری های دیدگاه برگزیده را مهیا می سازد. این تاریخ تطور را می توان در سه دوره خلاصه نمود.

۱.۲.۱. دوره نخست (قرن چهارم تا ششم)

ابن جنید (م ۳۸۱ق) نخستین فقیهی است که با عنوان قیاس به معنای موافقت با روح کتاب و سنت از دلیل عقل در استنباط بهره جست (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱) و پس از وی، شیخ مفید (م ۴۱۳ق) از پیشگامان این موضوع است. وی اگرچه به صورت مستقل از دلیل عقل در مختصر التذکره مطلبی نیاورده، اما به کار بست دلیل عقل در مواردی نظیر قیاس اولویت (فحوی الخطاب) اشاره می نماید (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۸) و در کتاب فقهی خلاصه الایجاز فی المتعه از دلیل عقل با عنوان ضرورت عقل بر اباحه و جواز نکاح متعه یاد می کند (همو، بی تا، ص ۲۲). سید مرتضی (م ۴۳۶ق) در الانتصار فی انفرادات الامامیه نیز بر ضرورت عقل در جواز نکاح متعه تاکید دارد و در کتاب اصولی الذریعه الی اصول الشریعه از دلیل عقل در مواردی همچون برای استدلال به عدم حجیت قیاس نزد اهل سنت (علم الهدی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۲۵۸) و یا در مسئله جواز نسخ قرآن به سنت (همان، ص ۴۶۴) استفاده می نماید. شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) از دیگر فقهای نامداری است که در العده فی اصول الفقه، فصل چهارم را با عنوان «فی ذکر ما یعلم بالعقل و السمع» نامگذاری کرده، اما همچون سایر فقیهان سلف از منبع بودن عقل نامی به میان نیاورده و در عین حال از استدلال بدان فروگذاری ندارد (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۷۵۹).

۲.۲.۱ دوره دوم (قرن ششم تا سیزدهم)

نخستین بار ابن ادریس حلی (م ۵۹۸ق) بود که با الهام از دانش فقهی سید مرتضی، عقل را یکی از منابع استنباط شریعت یافت (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۶) و سپس محقق حلی (م ۶۷۶ق) در *المعتبر فی شرح المختصر* به منابع پنجگانه فقه اذعان کرد و دلیل عقل را همجوار کتاب، سنت و اجماع نشانده (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۸)^۱ و به تقسیم آن همت گمارد و بعدها این تقسیمات رونق یافت (همان، ج ۱، ص ۳۱-۳۲). پس از وی، شهید اول (م ۷۸۶ق) بر مطلب پیش گفته تصریح کرد و دلیل عقل را به دو قسم منشعب نمود که عبارتند از:

الف. دلیل عقل که بر خطاب شارع توقف ندارد و مشتمل بر اموری نظیر ذیل است:

۱. آنچه مستفاد از مقتضای عقل است. مانند: وجوب رد ودیعه، وجوب قضاء دین، حرمة ظلم و یا استحباب احسان.
۲. تمسک به اصل برائت در فقدان دلیل مانند: «نفی غسل الثالثه فی الوضوء» و «نفی ضربه الزئده فی التیمم».
۳. چیزی که بر آن دلیلی وجود ندارد.
۴. اخذ به اقل هنگام فقدان دلیل بر اکثر.
۵. استصحاب (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۲-۵۳).

ب. دلیل عقل که بر خطاب شارع توقف دارد و شش دسته برای آن بر شمرده شده که عبارتند از:

۱. مقدمه الواجب المطلق.
۲. استلزام الامر بالشیء النهی عن ضده.
۳. فحوی الخطاب.
۴. لحن الخطاب.
۵. دلیل الخطاب.
۶. الاصل فی المنافع الاباحه و فی المضار الحرمة (همان، ص ۵۳-۵۴).

فاضل تونی (م ۱۰۷۱ق) در *الوافیه فی اصول الفقه* تقسیم بندی پیش گفته را با تفصیل بیشتری پذیرفت و برای نخستین مرتبه حجیت حکم استقلالی عقل را مبتنی بر پذیرش حسن قبح عقلی به اثبات رسانده (تونی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۷۱-۱۷۲).

۳.۲.۱ دوره سوم (قرن سیزدهم تا عصر حاضر)

محقق قمی (م ۱۲۳۱ق) در این دوره از پیشگامان استخدام دلیل عقل در استنباط شریعت است و همت او در این مهم آنچنان بود که مقصد چهارم کتاب *قوانین المحکمه فی الاصول* را به ادله عقلی اختصاص داد و نخستین مرتبه به تعریف دلیل عقلی روی آورد (میرزای قمی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۷-۲۱۰). اگر چه وی همچون صاحب فصول (م ۱۲۵۵ق)، خلط بین حکم عقلی قطعی مانند قاعده ملازمه بین حکم عقل و شرع و حکم عقلی ظنی نظیر استصحاب بر طریق قدما در اندیشه اش محقق شده (سبحانی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۰)، اما کوشیده تا صغری و

۱. «و هی عندنا خمسة: الكتاب و السنه و الاجماع و دلیل العقل و الاستصحاب».

چیستی و حجیت عقل در استنباط احکام شرعی ♦ ۲۶۵

کبرای قیاس فقهی در مستقلات عقلیه را تبیین نماید و حکم عقل را مستحق ثواب و عقاب دانسته و به نقد اشاعره نیز نشسته است (قمی، همان، ص ۸). پس از وی، شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱ق) در *مطارح الانظار*، ادله عقلیه را مورد کنکاش قرار داد و از تحسین و تقبیح عقلی و سایر مسائل دلیل عقل، سخن به میان آورد (انصاری، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲۹-۲۴۵). شاگرد مرحوم شیخ، محقق نائینی (م ۱۳۵۵ق) در *فوائد الاصول* پنجمین مبحث از مسائل قطع را به مستقلات عقلیه اختصاص داد و با موضوع قطع حاصل از دلیل عقلی وارد بحث شده است. وی در بخش نخست مبحث، به نقد اشاعره که منکر ملازمه هستند روی آورده و در بخش دوم و سوم به اثبات ملازمه حکم عقل و شرع و رد سخنان اخباریان به بحث نشسته است (نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۵۷-۶۳).

اما فقهای معاصر بیشترین توجه به دلیل عقل را تاکنون داشته‌اند و محققانی نظیر مرحوم مظفر از شاگردان محقق نائینی و مرحوم اصفهانی، مقصد دوم از *اصول الفقه* را به ملازمات عقلیه اختصاص داد و با تقسیم دلیل عقلی به دو باب، از مستقلات و غیر مستقلات عقلیه سخن به میان آورد. وی در مستقلات عقلیه از صغری و کبرای قیاس فقهی مبتنی بر دلیل عقلی و امکان ادرک حسن و قبح عقلی و ملازمه عقلیه میان حکم عقل و حکم شرع بحث کرد و در غیر مستقلات عقلیه مباحثی همچون اجزاء، مقدمه واجب، مساله ضد، اجتماع امر و نهی و دلالت نهی بر فساد را در کاربست عقل تبیین نمود و در مقصد ثالث به وجه حجیت دلیل عقل پرداخت (مظفر، ۱۳۸۷ش، ص ۴۸۱). بنابراین مرحوم مظفر علاوه بر منبع دانستن عقل در استنباط احکام به بهره مندی از دلیل عقل و کاربست آن در فقه همت گماشت. از دیگر فقهای معاصر، شهید صدر ^{قدس سره} در *بحوث فی علم الاصول* به این نکته توجه داشته که جایگاه بحث از دلیل عقل ذیل حجیت قطع است و نه ظنون؛ و از این روی، در هفتمین جهت از مباحث قطع به بحث از حجیت دلیل عقلی و قطع حاصل از دلیل عقلی روی آورده و از این دلیل در سه مقام، عالم جعل، عالم کشف و عالم تنجیز یاد کرده است. مهمترین خصوصیت تقریر بحث ایشان، نظم منطقی و پرسش محوری در مسئله است که محقق را به خوبی به نتیجه مطلوب می‌رساند (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۱۹-۱۴۷).

همچنین آیت الله العظمی مکارم ^{حفظه الله تعالی} در *انوار الاصول* در مبحث قطع از یقین حاصل از مقدمات عقلیه یاد کرده و به نقد اخباری ها همت گماشته (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۲۴۶). البته وی در *دایره المعارف فقه مقارن* تقسیم بندی دیگری ارائه کرده و منابع استنباط را به دو نوع مورد اتفاق و مورد اختلاف فقها منشعب نموده و دلیل عقلی قطعی را

ذیل منابع مورد اتفاق و دلیل ظنی عقلی را در بخش منابع مورد اختلاف گنجانده است (همو، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۸۶-۱۹۳).

دیدگاه برگزیده در مسئله را می توان از آثار متعددی جو یا شد (سبحانی، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ص ۸۶-۱۰۱/ همو، ۱۳۸۶ش، ج ۳، ص ۳۰۸-۳۱۳/ همو، ۱۳۸۳ش، ص ۹-۶۰/ همو، ۱۳۸۵ش، ۱۶۸-۱۸۹). اساس مباحث در این آثار را نظم و تقسیم و ترتیب منطقی و علمی براساس جایگاه شایسته مسئله، قوام بخش است. آثاری نظیر *الرسائل الاربع* در ضمن مقاله «قاعده الملامه بین حکمی العقل و الشرع» به مسئله حجیت عقل در استنباط احکام پرداخته (همو، ۱۴۱۵ق، ص ۵-۹۵) و *الموجز فی اصول الفقه* از حجیت دلیل عقلی قطعی و نیز به اختصار از مستقلات و غیر مستقلات و مباحث مرتب بدان و تطبیق و کاربرست دلیل عقل در فقه پرده برداری می نماید (همو، ۱۳۸۴ش، ص ۱۶۲-۱۶۶) و کتاب *ارشاد العقول الی مباحث الاصول* با تفصیل بیشتری بحث را به سامان رسانده است (همو، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۹۷-۸۳). از دیدگاه نگارنده اصولیان باید علاوه بر اعتقاد به حجت بودن عقل در کنار کتاب، سنت و اجماع، به تدوین باب مستقلی پیرامون دلیل عقل همت گمارند. آثاری همچون *الوسیط فی اصول الفقه* (همو، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۱۱-۳۰) و *مصادر الفقه و منابعه* (همو، ۱۳۸۵ش، ص ۱۶۸) با خوانشی جدید از ابواب اصولی و ترسیم سبکی نوین، رهنمون این طریقت هستند و در تلاشند تا علاوه بر ارائه تصویری صحیح از مسئله، به شبهات اهل سنت و اشاعره (همو، ۱۳۸۳ش، ص ۲۰-۴۳) و اخباریان شیعه (همان، ص ۴۴-۵۷) پاسخ مناسب ارائه نمایند.

۳.۱. ضرورت و فائده بحث از عقل در استنباط احکام

اسلام با تکیه بر تشریح اسلامی از غنای عظیمی برخوردار است. آشنایی با مصادر و مشخصه های تشریح گواه این مطلب است که اسلام با واقعیات زندگی سر و کار دارد و قادر است به رویدادها در حیات بشر پاسخ مطلوب را ارائه نماید. یکی از مشخصه های تشریح اسلامی این است که به عقل و خرد در مواردی حق دخالت و داوری داده و او را یکی از منابع استنباط احکام شرعی در کنار کتاب و سنت نشانده است. حجیت بخشیدن به خرد در مسایل مربوط به وی، ضامن حیات اسلام است و بدان جاودانگی بخشیده و نیز به آن صلاحیت داده که با تمام چهره های تمدن منطبق گردد. و از این طریق تقنین اسلامی پایه پای حکم عقل پیش رفته و داوری های او را در موضوعات کلی ویژه خود، جزو تشریح خود دانسته است البته مقصود از حجیت خرد این نیست که می تواند یگانه تاز میدان تشریح باشد بلکه برای آن

چیستی و حجیت عقل در استنباط احکام شرعی ♦ ۲۶۷

قلمروهای خاصی است که هرگز کوچک‌ترین خراشی بر پیکر تشریح کتاب و سنت وارد نمی‌سازد (همو، ۱۳۸۶ش، ج ۳، ص ۲۶۰-۲۸۸/ همان، ص ۲۱۲-۲۱۵).

۲. منزلت عقل در معرفت دینی

آئین اسلام، خرپسند و عقل‌گرا است و جایگاه عقل در معرفت دینی را، نه خرد‌گرایی مطلق که در آن منبع وحی را بیگانه شمرده و تنها بر خرد تکیه دارد و نه ایمان‌گرایی مطلق دانسته که به صورت افراطی، ایمان به معرفت‌های دینی را با دلیل و عقل امکان‌پذیر نمی‌پندارد، بلکه عقل‌گرایی اعتدالی که دو ابزار عقل و وحی در قلمرو خاص خودشان را اعتبار می‌نهد و باور دارد که بخش اعظم معارف دینی تحت پوشش سنجش خرد ناب قرار می‌گیرد را به عنوان دیدگاه صحیح برمی‌گزیند (همو، ۱۳۸۶ش، ج ۳، ص ۲۹۵-۲۹۶). گواه روشن بر این مدعا آن است که ماده عقل ۴۷ بار، ماده فکر ۱۸ مرتبه، ماده لب ۱۶ بار و ماده تدبیر ۴ مرتبه و سرانجام ماده نُهی که همان معنای عقل باشد، ۲ بار از کلام وحی صادر شده است و آیاتی نظیر (هود: ۳۵/ انبیاء: ۲۲/ مومنون: ۹۱) تنها چند نمونه از این دسته آیات قرآن است که عنصر عقل را هم جوار وحی ارزشمند و معتبر می‌شمرد (جعفر سبحانی، همان، ج ۱، ص ۱۵-۱۶).

۱.۲. دیدگاه متفکران در منزلت عقل

متفکران معاصر با سه اصطلاح نوپدید به دسته‌بندی اندیشه‌های پاسخگو در مسئله منزلت عقل در معرفت دینی همت گمارده‌اند که تفاوت با عبارات پیشین دارد. آن دسته‌بندی از این قرار است: ۱. عقل‌بسان میزان ۲. عقل همچون ابزار دین ۳. عقل چونان منبع (کاشف و مصباح) شریعت (سبحانی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۶۹-۱۷۰/ ر.ک: حسین زاده یزدی، ۱۳۸۹ش، ص ۳۰۵-۲۸۶/ ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ص ۳۸-۶۰).

۱.۱.۲. عقل‌بسان میزان دین

این دیدگاه پیروان خود را به این معرفت‌رهنمون است که تنها اموری در دین معتبرند که عقل‌مدرک آنها باشد و هرآنچه فراعقلی تلقی شود، از دایره دین خارج می‌گردد. این اندیشه که در دهه چهل و پنجاه رونق پیدا کرد، همواره می‌کوشید همه احکام الهی را بر پایه نظریه‌های اثبات‌نشده و تردید‌پذیر تجربی، مدلل سازد. پیروان آن در صدد بودند علت تطهیر اشیای متنجس با آب گُر را از طریق علوم تجربی بیان نمایند. منشا این جریان فکری را باید از مغرب زمین و برخاسته از «علم زدگی» و مبتنی بر نگرش عقل‌گرایی افراطی جستجو کرد (حسین زاده یزدی، همان، ص ۲۹۳-۲۹۴).

۲.۱.۱. عقل همچون ابزار و مفتاح دین

گروه دیگری از متفکران مسلمان از جمله اخباری‌ها با وجود پذیرش اعتبار عقل، گستره ادراکات آن را به اثبات حجیت گفتار و رفتار معصوم (علیه السلام) محدود ساخته و نقش این موهبت الهی را در قامت امور اعتقادی ترسیم می‌نمایند. این دیدگاه خرد را همچون مفتاح و کلیدی دانسته که با آن توفیق گشایش گنجینه‌ای از معارف را می‌توان بدست آورد و پس از اثبات کتاب و سنت، دیگر این مفتاح کارآمدی نخواهد داشت. پس از این ره آورد، با نقل (کتاب و سنت) معرفت دینی فراچنگ می‌آید (همان، ص ۲۹۴-۳۰۵).

۳.۱.۲. عقل چونان منبع (کاشف و مصباح) شریعت

دیدگاه برگزیده همسو با مشهور اصولیان شیعه، عقل را یکی از منابع دستیابی به شریعت برشمرده و آن را معارض آموزه‌های دینی قلمداد نمی‌کند؛ زیرا منبع بودن عقل به معنای کاشفیت آن است و معنا ندارد چیزی که کاشف باشد، در تقابل با مکشوف درآید. شأن عقل در دائره حکم شرعی با مشرع بودن، پنداری ناصواب می‌نمایند و حکم عقل در قلمرو خاص آن، هم تراز با سائر ادله شرعی (کتاب و سنت و اجماع) مصباح تشریح الهی شمرده می‌شود (سبحانی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۶۹-۱۷۰ / حسین زاده یزدی، همان، ص ۲۸۷). به تعبیر رساتر، عقل با تکیه بر ادراک قطعی و یقینی، حکم الهی را کشف می‌کند و این گونه نیست که جاعل حکم و مشرع باشد، و این امری روشن است که مخلوق احاطه به تمام مصالح و مفاسد در خزینه‌ی علم خالق ندارد تا توان جعل و انشاء حکم را در شأن خود ببیند. اگر عقل، حکم به قبح عقاب بلا بیان صادر می‌کند، معنای آن این است که عقل با توجه به صفات حکمت و عدل الهی می‌یابد که لازمه این صفات، نفی عقاب از جاهل و شخص بری‌ء الذمه است و این حکم عقل، همان ایجاب استکشافی در مقابل ایجاب مولوی است که با توجه به صفات خداوند متعال ملازمه بین عدل الهی و نفی عقاب را کاشف است (سبحانی، ۱۳۸۲ش، ج ۳، ص ۳۰۲ / همو، ۱۳۸۳ش، ص ۱۳-۱۵).

۲.۲. عقل عملی و معرفت دینی

اساس داوری‌های عقل عملی در مسائل ادیان، بازگشت به حسن و قبح افعال دارد. عقل هنگامی که شیوه فعل را درک کرد، ادراک خود را در قالب ایجاب و نهی ریخته و از باید و نباید سخن به میان می‌آورد. عقل در قضاوت اوصاف فعل، تنها از خود فعل مدد می‌جوید و بدون توجه به فاعل (واجب یا ممکن) و یا اثری که بر فعل مترتب شده نظیر حفظ نظام در سایه عدل و یا نظر شرایع آسمانی در مورد آن فعل، با استقلال نظر، حکم فعل را ابراز داشته

چیستی و حجیت عقل در استنباط احکام شرعی ♦ ۲۶۹

و به تجویز فعل حسن و پرهیز از فعل قبیح، فرمان صادر می‌نماید (سبحانی، ۱۳۸۲ش، ص ۳۰۳).

لزوم بعثت انبیاء، تبیین صفات الزامی پیامبران، تجهیز پیامبران با دلایل ایمان آفرین، لزوم ردّ متنبی دروغگو از سوی خداوند متعال و... چند نمونه از نحوه فعالیت عقل عملی در حوزه معرفت دینی است که گاه ادله نقلی همچون (ملک: ۱۴ / الحاقه: ۴۴-۴۷ / اسراء: ۱۵) نیز برای تأیید آن به پا می‌خیزد (سبحانی، همان، ص ۲۹۸-۳۰۸). اما عقل عملی در احکام فرعی نمودهای دیگری دارد که تبیین آن خواهد آمد.

۳. حجیت شرعی حکم عقل

سخن بر مدار حجیت حکم عقل در دو بخش ترسیم پذیر است:

۱. حجیت حکم عقل از آن جهت که از مصادیق قطع است.

۲. حجیت حکم عقل که کاشف از حکم شارع است.

مبحث نخست با پیروی از اصولیان در مسئله قطع و فروعات آن گنجانده شده، حال چه منشأ قطع، حکم عقل باشد و یا نه؛ به هر حال حجیت قطع بی نیاز از اثبات است. اما مبحث دوم، پیرامون وجود یا عدم ملازمه بین حکم شرع و عقل است که مشهور اصولیان به صورت استطرادی و به اختصار بدان توجه کرده اند و تنها گروهی از اندیشمندانی نظیر محقق قمی در قوانین (میرزای قمی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۷-۲۱۰) و محقق اصفهانی در فصول الغرویه (حائری اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۱۶) مستقلاً و مبسوط‌تر به این مسئله ورود شده و در بخش دوم از باب عقل بدان پرداخته می‌شود (سبحانی، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۱۱).

تبویب پیشنهادی پیش گفته رهنمون به این مطلب است که احکام عقل در مقابل احکام شرعی نیستند؛ بلکه دلیل عقلی در مقابل دلیل نقلی است، و به سبب حجیت حکم عقل نظیر حکم نقل بر گرفته از کتاب و سنت، رابطه دوسویه میان مکلف و شارع برقرار است و اثر و ثمره این حجیت منجزیت و معذرت در حکم است. از این روی، بر حکم عقل همچون سایر ادله شرعی، ثواب و عقاب مترتب می‌گردد.

۱.۳. حجیت حکم عقل در قرآن و روایات

اثبات حجیت حکم عقل را به مدد قرآن و سنت می‌توان نمایان ساخت. با تکیه بر برخی آیات و دسته‌ای از روایات کتاب عقل و جهل در اصول کافی که به حدّ تضافر از ائمه علیهم السلام (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۰-۲۹) منقول هستند، سخن را به سامان می‌رسانیم.

یکی از اهداف بلند آیین اسلام این است که فکر انسان را از اندیشه‌های بی‌پایه رها سازد و او را با منطقی خرد آشنا گرداند. کاربرد واژگان مرتبط با تفکر در کلام وحی، حکایت از آن دارد که قرآن طرفدار تعقل و تفکر است و به اشکال گوناگون پیروان سعادت را با دعوت به اندیشیدن در کسب معارف دینی رهنمون است. (سبحانی، ۱۳۷۸ش، ج ۶، ص ۵۴۳/ همو، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۴۵۸). علاوه بر این، کلام وحی با استفاده از آیات اثبات کننده ی حسن و قبح عقلی به حجیت ادراک عقل تاکید دارد. اینک به چند آیه اشاره می گردد.

خداوند در آیه ۲۸ سوره «ص» می فرماید: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ». خداوند با استفهام آنکاری چنین پرسش می نماید که آیا ما صالحان و فاسدان را در ردیف واحد قرار می دهیم؟ روشن است که خداوند هرگز چنین نخواهد کرد؛ و یا آیه ۶۰ سوره «الرحمن» که چنین بیان دارد: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»، این آیه نیز هم سیاق با آیه قبل است. همچنین آیه ۹۰ سوره «نحل» که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» و یا آیه ۳۳ سوره «اعراف» که خداوند وحی نموده: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ». همه این آیات بر یک مطلب اساسی توجه دارند و آن اینکه خداوند و فرستادگانش به اعمال شایسته و همسو با عدل امر می کنند و از افعال زشت و ناپسند و ظلم به دیگران ناهی هستند و انسان قادر است با عقل خویش به ادراک اموری که مصداق حسن و قبح اند، نائل آید (سبحانی، ۱۳۹۰ش، ص ۹۷-۱۰۰/ همو، ۱۳۸۳ش، ص ۲۱-۲۲/ همو، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ص ۹۱-۹۰/ همو، ۱۴۱۵ق، ص ۴۵). ابتناء معرفتی این آیات در ادراک عقلی حسن و قبح، بر حجیت حکم عقل در قرآن استوار است و بدون توجه به این مهم، پرسش های خداوند متعال در آیات پیش گفته معنا نمی یابد.

علاوه بر این آیات، دسته ای از روایات نیز به صراحت، عقل را حجت الهی خوانده اند و تبعیت از آن را در ردیف پیروی از فرمان خداوند متعال برمی شمردند. به عنوان نمونه بهترین حدیث، روایت هشام بن الحکم از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) است. که روایتی مفصل و پر محتوا است. امام (علیه السلام) در بخشی از این روایت می فرماید: «يَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالنَّبِيَاءُ وَالْأئِمَّةُ عَ وَ أَمَّا البَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ» (همان، ص ۱۳) در این روایت عقل به عنوان حجت باطنی معرفی شده و خبر از چراغ راهی در باطن انسان دارد که او را هدایت می کند؛ چگونه ممکن است خداوند انسان را

چیستی و حجیت عقل در استنباط احکام شرعی ♦ ۲۷۱

مزین به هادی درونی کرده باشد و آن را ارزشمند و مُدرک معرفت نداند و ادراکش حتی در موارد محدود را نپذیرد؟

همچنین روایت محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) که می فرماید: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ وَعَزَّتِي وَجَلَّالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَلَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِي مَن أَحَبُّ أَمَا إِنِّي إِيَّاكَ أَمَرُ وَإِيَّاكَ أَنْهَى وَإِيَّاكَ أَعَابِبُ وَإِيَّاكَ أَثِيبُ» (همان، ص ۱۰) این روایت گواه آن است که عقل بهترین مخلوق الهی و امر و نهی و پاداش و کیفر خداوند متوجه او است. این عنایت الهی به عقل، خبر از امکان بازخواست و عتاب و عقاب او در قیامت دارد و گواه آن است که پیرو آن از احتجاج به وسیله این موهبت بهره‌مند است.

مجموع این دسته روایات، بیانگر آن است که مکتب شیعه بر عقل‌گرایی و خرد‌گرایی استوار است و این عقل است که برای اولین مرتبه خدا را می شناسد و حتی اگر رسول خدا (ص) بگوید: خداوند موجود است در حالی که هنوز انسان خدا را با عقل نشناخته باشد، نبوت را هم قبول نمی کند و کلام رسول خدا (ص) نیز حجت نخواهد بود و با انکار حجیت عقل، دین و شریعت نیز ثابت نمی شود.

اما سوالی که مطرح می شود این است که آیا قلمرو این روایات حجیت عقل در عقائد است و یا در دایره شریعت نیز وارد می شود؟ به تعبیر دیگر، چگونه روایات که منبع معرفتی بودن عقل در معارف را اثبات می نمایند، قادراند حجیت فقهی حکم عقل را نیز گواه باشند؟ چراکه احکام تشریحی و منابع آنها توقیفی هستند و منبع بودن عقل نیز باید توقیفی باشد. پاسخ این پرسش اینکه، تخصیص این دسته روایات که بر حجیت عقل در معارف دلالت دارند، تخصیص بدون وجه و دلیل بوده و امری قبیح و خلاف ظهور کلام است (سبحانی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۷).

۲.۳. قلمرو حجیت عقل در احکام

قلمرو حجیت حکم عقل در مباحث اصولی به اعتقاد امامیه، حسن و قبح عقلی است و در این قلمرو فرقی میان مستقلات عقلی و غیر آن نیست. هم مستقلات عقلیه و هم غیر مستقلات عقلیه همه از شاخه‌های حجیت عقل هستند (همو، ۱۳۹۱ش، ص ۲۴۶). علاوه بر حسن و قبح عقلی، باب ملازمات و با شرایطی مشخص تنقیح مناط یا الغاء خصوصیت و ادراک مصالح و مفاسد نیز در این قلمرو جای دارند (همو، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ص ۸۶-۹۷). البته از میان اصولیان شیعه، اخباریان استخدام دلیل عقلی را مردود دانسته و منکر قاعده ملازمه

میان حکم عقل و شرع هستند و تنها عقل را قادر به ادراک حسن و قبح افعال می‌دانند (همو، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ص ۸۷-۸۹) در مقابل ایشان، گروه اشاعره از اهل سنت معتقدند عقل ناتوان از درک حسن و قبح است و حسن و قبح را شارع معین می‌سازد. این گروه قاعده ملازمه میان حکم عقل و شرع را درست و صحیح می‌شمارند و به ملازمات عقلیه همچون وجوب مقدمه و ذی المقدمه و حرمت ضد و نیز برخی احکام دیگر از غیر مستقلات ملترم هستند (اشعری، بی تا، ص ۱۱۶-۱۱۷ / سبحانی، همان).

۴. نتیجه گیری

عقل گوهری قدسی و موهبتی رحمانی است که خداوند نزد انسان به ودیعه نهاده و منبعی مستقل و در عرض کتاب و سنت در استنباط احکام شرعی است و جایگاه آن در معرفت دینی، مصباح و کاشف از احکام شریعت است، این دیدگاه مقابل انگاره میزان و مفتاح بودن منزلت عقل در اندیشه دینی است. دلیل و احکام عقلی در اصول فقه شیعه به دو دسته مستقله و غیر مستقله منشعب می‌شود و حجیت آن با استمداد از روایات متضافر که به صراحت عقل را حجت الهی خوانده اند و تبعیت از آن را در شمار پیروی از فرمان خداوند متعال برمی‌شمرند، به سامان می‌رسد. قلمرو حجیت حکم عقل در اصول فقه شیعه، حسن و قبح عقلی است و دو حوزه احکام مستقله و غیر مستقله عقلی را در بر می‌گیرد. علاوه بر حسن و قبح، ملازمات و تنقیح مناط یا الغاء خصوصیت و ادراک برخی مصالح و مفاسد در قلمرو حجیت احکام عقل گنجانده می‌شود.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن ادریس، حلی؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ قم: نشر جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن؛ تحف العقول؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم: نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- ابن فارس، احمد؛ مقاییس اللغة؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، محمد؛ لسان العرب؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- اشعری، ابوالحسن؛ اللمع فی الرد علی اهل الزیغ و البدع؛ تصحیح و تعلیق و تقدیم از حموده غرابه؛ قاهره: المکتبه الأزهريه للتراث، بی تا.
- انصاری دزفولی، شیخ مرتضی؛ مطارح الانظار؛ قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۳۸۳ق.
- انصاری دزفولی، شیخ مرتضی؛ مطارح الانظار؛ قم: آل البيت، ۱۴۰۴ق.
- ایچی، میر سید شریف؛ شرح المواقف؛ تصحیح بدر الدین نعلانی؛ قم: شریف الرضی، ۱۳۲۵ق.
- تفتازانی، سعدالدین؛ شرح المقاصد؛ مقدمه و تحقیق و تعلیق از دکتر عبد؛ قم: شریف الرضی، ۱۴۰۹ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ تصحیح سید مهدی رجایی؛ غررالحکم و درر الکلم؛ قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- تونی، عبدالله؛ الوافیة فی اصول الفقه؛ قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- جوادی آملی، عبدالله؛ منزلت عقل در هندسه معرفت دینی؛ محقق احمد واعظی؛ قم: نشر موسسه اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۸۹ش.
- جوهری، اسماعیل؛ الصحاح؛ بیروت: دارالعلم الملايين، ۱۳۷۶ق.
- حائری اصفهانی، محمد حسین؛ فصول الغرویة؛ قم: دار احیاء العلوم الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- حرعاملی، محمد حسن؛ فوائد الطوسیة؛ مصحح آقایان سید مهدی لاجوردی و محمد درودی؛ قم: چاپخانه علمیه، ۱۴۰۳ق.
- حسین زاده یزدی، محمد؛ معرفت دینی عقلانیت و منابع؛ قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
- حلی، حسن بن یوسف؛ نهیة المرام فی علم الکلام؛ تصحیح فاضل عرفان؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۹ق.

- حلی، جعفر بن حسن؛ المعتمر فی شرح المختصر؛ تصحیح جمعی از فضلا؛ قم: موسسه یدالشهداء، ۱۴۰۷ق.
- دهخدا، علی اکبر؛ فرهنگ فارسی دهخدا؛ تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- سبحانی، جعفر؛ «حجت»؛ مجله علمی پژوهشی کلام اسلامی؛ ۷۹، ۱۳۹۰ش، ص ۳-۹.
- سبحانی، جعفر؛ رسائل الاصولیه؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
- سبحانی، جعفر؛ الرسائل الرابع؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۵ق.
- سبحانی، جعفر؛ المبسوط فی اصول الفقه؛ ج ۳؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۳۲ق.
- سبحانی، جعفر؛ المحصول فی علم الاصول؛ ج ۳؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۴ق.
- سبحانی، جعفر؛ الموجز فی اصول الفقه؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴ش.
- سبحانی، جعفر؛ الوسيط فی اصول الفقه؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۸ش.
- سبحانی، جعفر؛ حسن و قبح عقلی؛ نگارش علی ربانی گلپایگانی؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
- سبحانی، جعفر؛ ارشاد العقول الی مباحث الاصول؛ مقرر محمد حسین حاج عاملی؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۴ق.
- سبحانی، جعفر؛ شناخت در فلسفه اسلامی؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۲ش.
- سبحانی، جعفر؛ کاوشی در فقه؛ زیر نظر علیرضا سبحانی؛ موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۱ش.
- سبحانی، جعفر؛ مدخل مسائل جدید کلامی؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۶ش.
- سبحانی، جعفر؛ مصادر الفقه و منابعه؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۵ش.
- سبحانی، جعفر؛ نظریه المعرفة؛ مقرر حسن مکی عاملی؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷ش.
- سبحانی، جعفر؛ فرهنگ عقائد و مذاهب اسلامی؛ ج ۶؛ قم: توحید، ۱۳۷۸ش.
- سبحانی، جعفر؛ سیمای فرزندگان؛ ج ۱؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۸ش.
- سیستانی، سید علی؛ الرافد فی علم الاصول؛ قم: لیتوگرافی حمید، ۱۴۱۴ق.
- شهید اول، محمد بن مکی؛ ذکر الشیعه فی احکام الشریعه؛ قم: آل البيت، ۱۴۱۹ق.
- صاحب، اسماعیل؛ المحيط فی اللغة؛ مصحح محمد حسن آل یاسین؛ بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.

چیستی و حجیت عقل در استنباط احکام شرعی ♦ ۲۷۵

- صدر، محمد باقر؛ بحوث فی علم الاصول؛ قم: موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- طوسی، محمد؛ تمهید الاصول؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۴ش.
- طوسی، محمد؛ العدة فی اصول الفقه؛ قم: محمد تقی علاقبندیان، ۱۴۱۷ق.
- علم الهدی، سید مرتضی؛ الذریعة الی اصول الشریعة؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ش.
- علیدوست، ابوالقاسم؛ فقه و عقل؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- فراهیدی، خلیل؛ العین؛ قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
- قماش، سعید؛ جایگاه عقل در استنباط احکام؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ش.
- قمی، میرزای؛ قوانین المحکمة فی الاصول؛ قم: احیاء الکتب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.
- کلینی، محمد؛ اصول الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- سبزواری، ملا هادی؛ شرح المنظومه؛ تصحیح و تعلیق حسن حسن زاده آملی و تحقیق و تقدیم مسعود طالبی؛ قم: ناب، ۱۳۷۹ش.
- مظفر، محمد رضا؛ اصول الفقه؛ تعلیقه عباس علی زارعی؛ قم: بوستان کتاب، چاپ ۵، ۱۳۸۷ش.
- مفید، محمد بن محمد؛ خلاصة الايجاز فی المتعة؛ قم: المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید، بی تا.
- مفید، محمد؛ مختصر التذکره باصول الفقه؛ تحقیق محمد بن علی بن عثمان کراچکی؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ انوار الاصول؛ تهیه و تنظیم احمد قدسی؛ قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۴۲۸ق.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی؛ اصطلاح نامه اصول فقه؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ش.
- نائینی، محمد حسین؛ فوائد الاصول؛ قم: نشر جامعه مدرسین، ۱۳۷۶ش.
- راغب اصفهانی، حسین؛ مفردات الفاظ القرآن؛ بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.